

جوانان با مردم سالاری چند حزبی و یا هم شکل شدن آنان در یک دیکتاتوری و مانند آن می پردازد و - به گفته مترجم - «فراخوانی ست به این که یقینهای خود را زیر سؤال ببریم و بیاموزیم که با دیدی شکاک و انتقادگر بنگریم».

ح. منتظم

بیژن غیبی

سه رساله پهلوی:

۱- آمدن شاه بهرام ورجاوند

۲- خویشکاری ریدکان و اندرز به کودکان

۳- سور سخن

و دیگر «خرده مقالات»

در باره اهمیت فرهنگی این کارها نیازی به گفتن نیست که دو فاجعه یورش عرب، در سده هفتم، و مغول در سده سیزدهم میلادی چه زیانهای جبران ناپذیری به فرهنگ و ادب ایران زده است: در هجوم نخستین تمام کتابهای ادبی، پزشکی و علمی ایران از میان رفت و تنها اندکی از ایرانیان که به دین نیاکان وفادار ماندند و ایران را به سوی هندوستان ترک گفتند چندین کتاب دینی و چند رساله ادبی را همراه بردند^۱ که در سده بیستم توانستیم قسمتی از واژه ها و متون پهلوی را که در این کتابها و رسالات آمده است بشناسیم. در سده سیزدهم نیز مغولان هر جا که می رسیدند کتابخانه ها، از جمله نوزده کتابخانه بزرگ نیشابور را برای ایجاد رعب آتش می زدند^۲ که موجب از میان رفتن بسیاری از آثار ایران در سده های نخستین اسلامی گردید و جای شگفت نیست که مثلاً از حدود صد و سی هزار بیت سروده رودکی چند صد بیتی بیشتر نمانده است!^۳ و هر گونه پژوهش و کوششی برای احیاء، ویرایش و بازنویسی آثار فراموش شده آن سده ها جای هر گونه ستایش است.

*

نخستین رساله همان سرود «آمدن شاه بهرام ورجاوند» از سروده های نخستین سده های اسلامی و گویای بویه (نستالژی) های دیرین ایرانیان است. در آغاز رساله، نخست «منابع، ترجمه ها و تحقیقات» ذکر شده، سپس متن پهلوی و، سطر به سطر، آوانویسی آنها، و پس از آن متن ترجمه شده سرود. و در «یادداشتها» بسیاری از نکات مورد توجه پهلوی دانان و علاقه مندان به این زبان آمده است. و چند گفتار درباره «سبک و زبان» این رساله، و دیگر این که «شاه بهرام ورجاوند کیست؟» قدری مفصل تر در پایان

رساله و ارتباط یافتن آن با سوشیالیزم موعود و مدعیان آن.

چرا شاه بهرام ورجاوند از هندوستان می آید؟ - ایرانیان آن سده ها، برخلاف امروز، هیچ امید و توجهی به غرب ایران، رومیان و تازیان، نداشتند و امیدشان به خاور بود، همان جا که پسر دوم یزدگرد ساسانی و پس از او گروهی از ایرانیان پناه بردند. پس شاه بهرام ورجاوند، چون آفتاب، از خاوران می آید... و به این گفته مارکوارت می رسیم که: باشد تا تلاشهای مزدا پرستان هند نتیجه بخشد تا بتوانند... ایرانیان را از نظر فرهنگی برکشند...

در رساله «خویشکاری ریدکان و اندرز به کودکان» به همین ترتیب نام برده منابع و متون، متن پهلوی و آوا نویسی، ترجمه، چند یادداشت و گفتاری درباره تعلیم و تربیت در ایران ساسانی آمده است که خواننده را به تراز بالای آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در ایران باستان آگاه می سازد.

رساله سوم نیز، که نیایشی به درگاه پروردگار امشاسپندان... و ستایشی از شاهنشاه و ایرانزمین... و سپاس بر ارتشتاران، و استریوشان و هوتخشان... است، به همان ترتیب نامبرده در بالا آوانویسی، ترجمه و یادداشت نویسی شده و نمودار فرهنگ ایران باستان است.

اثر دیگری که انتشار یافته است جزوه ششم «خرده مقالات» است حاوی مقالات ۴۲ تا ۵۰ با شماره مسلسل برگها: از ۳۷۸ تا ۴۲۷. ما در شماره های پیشین ایران شناسی کیفیت سودمند این مقالات را بیان کرده ایم که اینک چند نمونه می آوریم:

در «شاهزاده رویین تن» سخن از اسفندیار است و داستان رویین تنی او، چه در شاهنامه نمی بینیم که این شاهزاده کی و چگونه رویین تن می شود. پس از نخستین رزم او با رستم این جهان پهلوان است که خود و اسبش چنان مجروح می شوند که روز بعد اسفندیار با شگفتی می گوید: گمانی نبردم که رستم ز راه، به ایوان کشد گبر و ببر و کلاه!... درحالی که رستم نزد پدرش نالیده بود که: سنانم (/ خدنگم) ز سندان گذر یافتی، زبون داشتی گر سپر یافتی، زدم چند بر ترگ اسفندیار، گراینده دست مرا داشت خوار... ولی در روز دوم اسفندیار با تیر گزین که رستم به دستور سیمرغ فراهم کرده بود کشته می شود!... خواننده این داستان پهلوانی (حماسی) طبعاً از خود می پرسد: اگر او رویین تن بود چرا با تیری کشته شد و اگر نبود چرا روز پیش تیر و تیغ رستم بر او کارگر نبود؟

در پاسخ این معما یا تناقض دو روایت هست: یکی در زرتشت نامه که زرتشت یک دانه انار پخته (تقدیس شده) به اسفندیار می دهد: [زرتشت] وزان پس بدادش به اسفندیار، از

آن یشته خویش یک دانه نار، بخورد و تنش گشت چون سنگ و روی، نبد کارگر هیچ زخمی بر اوی...^۱

ولی این روایت مشکل را حل نمی کند زیرا اسفندیار با تیر گز کشته می شود. روایت دوم آن است که: مر او را زره آن که اندر بر است، هم از دست زرتشت پیغمبر است، به گشتاسپ داده ست آن زردهشت، ندرد و را تیر و ژوبین و خشت... (این دو بیت، به گفته مؤلف فقط در شاهنامه چاپ رضوانی، مؤسسه خاور، جلد ۳، آمده است) و خواننده در می یابد چرا اسفندیار روز اول زخمی نشد ولی در نبرد دوم تیری به چشمش او را از پای درآورد.

مقالات دیگر این شماره خرده مقالات درباره پیغمبر بی پدر (عیسی)، شاهی که زنان را دوست نمی داشت (اسکندر^۵)، و شاه زن دوست (قباد پدر انوشیروان)، یک مکاشفه کوچک (داستان شیر و خورشید بر پرچم ایران به روایت احمد کسروی)، و واژه نوش یا انوش (آن یا «ن» نفی + اوش: مرگ) و هوش و ریشه های اوستایی و پهلوی آنها، و همچنین نام هوتس که در اوستا و متون پهلوی و در تاریخ طبری آمده است، و هوتس هایی که در دوره های تاریخی بوده است...^۶

برای خواننده علاقه مند به فرهنگ ایران باستان، این مقالات حاوی بسیار آگاهیهای سودمند است و ما، در پایان سخن، توفیق بیژن غیبی را در ترجمه، گزارش و ویرایش متن پهلوی که نیامانده های^۷ فرهنگی ماست خواهانیم.

نیس، فرانسه

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

یادداشتها:

- ۱- درباره تاریخ این مهاجرت، نک: P. du Breuil: *Histoire de la Religion et de la Philosophie* (مناکو (Rocher, 1983)، نویسنده فاضل این اثر ضمن ستایش از ایران باستان آیین اسواری (شوالیه گری Knighthood) را که در قرون وسطی در اروپا رواج یافت برگرفته از پارتها می شمارد.
- ۲- در این باره، نک. مثلاً: تاریخ ایران از دوران باستان تا سده ۱۸، فصل ۵ «ایران زیر سلطه مغول» ترجمه کریم کشاورز (نشر پیام).
- ۳- برای اشعار باقی مانده رودکی نک. عبدالغنی میرزایف: ابو عبدالله رودکی و اشعار منظوم او (نشریات دولتی تاجیکستان).
- ۴- ارتشتاران (در زمان هخامنشی: ارا به رانان جنگی، در زمان ساسانیان: سپاهیان) و استریوشان (برزگران)، هوتخشان (صنعتگران و پیشه وران) اصناف دوره ساسانی. نک. استاد فقید پورداود: یشت، جلد ۲ زیر برگ ۳۳۱، و گاتها.

۵- روزه پرفیت (R. Peyrefitte, ۱۹۰۷-۱۹۹۷؟) نویسنده به نام قرن بیستم - که بر اثر تمایل به «همجنس گرایی» از وزارت امور خارجه اخراج شد، در اثر خود به نام *Alexandre le Grand* با ستایش بسیار از این جهانگیر

مقدونی ازدواج (تشریفاتی) او را با دختر یک ساتراپ ایرانی صرفاً برای تشویق لشکریانش به پیوند با ایرانیان و استقرار در ایران می‌شمارد.

۶- «نیامانده» ترجمه‌ی واژه‌ی فرانسوی *patrimoine* با بهره‌گیری از کلام فردوسی: کنون هرچه مانیده بود از نیا ...

جلال متینی

باقر عاقلی

روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی

با تجدید نظر، اصلاحات، اضافات و تصاویر جدید

نشر گفتار، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۹، (صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۳۶۹)

جلد اول: از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ خورشیدی) تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، صفحات: ۵۸۲ (دوستونی به اندازه ۳۰×۲۲ سانتیمتر)

جلد دوم: از ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، صفحات: ۵۱۰، بهای هر دو جلد ۱۱۰۰۰۰ ریال

روزشمار تاریخ ایران چگونه کتابی است؟ آقای عاقلی در دیباچه‌ی جلد اول و مقدمه‌ی جلد دوم کتاب به این پرسش پاسخ داده است: «روزشمار تاریخ (کرونولوژی) که به آن تقویم وقایع و گاهنامه نیز اطلاق شده است عبارت از ثبت وقایع و حوادث تاریخی به ترتیب زمان وقوع، و این شیوه‌ی در تاریخ نویسی است که اخیراً بعضی از وقایع نگاران پیش گرفته اند». «در کرونولوژی صرفاً اخبار را بدون اظهار نظر و نتیجه‌گیری عنوان می‌کند و خواننده با دانستن خبر می‌تواند بر داوری بنشیند». بدین ترتیب روشن می‌شود که کتاب مورد بحث ما مشتمل است بر ذکر وقایع و حوادث تاریخی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی در کمال ایجاز و به ترتیب زمان وقوع آنها با ذکر روز و ماه و سال. ما در زبان فارسی چنین کتابی نداشتیم. آقای عاقلی چاپ اول کتاب خود را در سال ۱۳۶۹ منتشر کرده است. و چاپ ششم آن را در ۱۳۷۹، و در چاپهای اخیر در آن تجدید نظر به عمل آورده است. چنان که در چاپ جدید جلد اول ۱۲ صفحه به وقایع پیش از مشروطیت و علل و جهات صدور فرمان مشروطیت اختصاص داده شده که با عنوان «از قتل ناصرالدین شاه تا صدور فرمان مشروطیت» در آغاز کتاب به چاپ رسیده است.

تألیف چنین کتابی حاصل سالها کار مؤلف و مراجعه به صدها و هزاران سند مکتوب اعم از کتاب و مجله و روزنامه و صورت مذاکرات مجلسین شورای ملی و سنا و جز آن در فاصله‌ی سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۳۷۵ خورشیدی است، و بیشتر به یک کار دسته‌جمعی شبیه است